

پنج نکته در توحید از منظر امام رضا علیه السلام - اسماعیل تاج‌بخش

فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه

سال دهم، شماره ۳۹ «ویژه پژوهش‌های رضوی»، تابستان ۱۳۹۲، ۱۳۱ - ۱۴۰

## پنج نکته در توحید از منظر امام رضا علیه السلام

\* اسماعیل تاج‌بخش

- چکیده: توحید بنیادی‌ترین پایه اصول اعتقادی اسلام است. امام رضا علیه السلام پنج اصل را در توحید بیان کرده‌اند که در این گفتار، به این اصول، همراه با برخی از آندیشه‌ها به صورت تطبیقی بیان می‌شود:
- نفی تشبیه: در حالی که در برخی منابع عرفانی با استناد به حدیث صورت، انسان را مظہر تجلی صفات و اسماء خداوند شمرده‌اند.
- عینیت ذات و صفات: اشاره معتقد به قدیم بودن و زاید بودن صفات بر ذات هستند و معتزله صفات را عین ذات خدا بر شمرده‌اند.
- تفاوت اراده خالق و مخلوق: اراده مخلوق نیت درونی است که منشأ بروز فعل می‌شود، اما اراده خداوند همان فعل خدا است و کیفیت ندارد.
- رابطه خالق و مخلوق: در نظام علی و معلولی ساخت مطرح می‌شود در حالی که مباینت ذاتی در رابطه خالق و مخلوق وجود دارد.
- نفی وحدت عددی: وحدت خداوند، بی‌مانندی و نفی هر گونه ترکیب از ذات اوست.
- کلیدواژه‌ها: توحید / نفی تشبیه / حدیث صورت / صفت ذات / اراده خدا / ساخت / علیت / مباینت / وحدت عددی.

درباره توحید - که نخستین و بنیادی‌ترین پایه اصول اعتقادی اسلام است - کتابها و مقالات زیادی نوشته شده است؛ ما قصد نداریم در این مقاله آنها را تکرار یا تلخیص کنیم، بلکه پنج نکته مهم را در توضیح و توجیه توحید از سخنان امام هشتم علیه السلام برگزیده و تحلیل و بررسی آنها را با ترجمه و گزارش عرضه کرده‌ایم.

### ۱. نفی خداگونگی آدمی

حدیث معروفی به پیامبر گرامی اسلام ﷺ نسبت داده شده که فرمود: «إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ أَدَمَ عَلَى صُورَتِهِ». (الجامع الصعيدين: ج ۴/۲)

این حدیث در پاراهای از منابع عرفانی ادب فارسی نیز بازتاب یافته است، مولوی می‌گوید:

خلق ما بر صورت خود کرد حق  
وصف ما از وصف او گیرد سبق  
(مثنوی معنوی ج ۴ بیت ۱۱۹۴)

بیشترینه مفسران مثنوی نیز آن را همین‌گونه فهمیده و توجیه کرده‌اند.

مثالاً دکتر زرین کوب می‌گوید:

... کلام مولانا تعییری است از محتوای مضمون یک حدیث نبوی که نزد صوفیه غالباً<sup>۱</sup> بدان اشاره می‌شود و به موجب آن، خداوند آدم را بر صورت خویش خلق کرد... این قول ... در نزد مولانا مستند این حکم است که صفات ما نیز از صفات و اوصاف حق ناشی، و البته خلافت الهی انسان و این که انسان مظهر و مرآت تجلی اوصاف حق هم هست، به احتمال قوی می‌باشد در نزد وی ناشی از همین معنی بوده باشد... (سرنی: ۶۰۹)



در مصراج دوم مولانا حدیث را این گونه تفسیر می‌کند: اوصاف ما تجلی اوصاف حق است، و هر صفتی که ما داریم، از صفات حق درس می‌گیرد... و او به ما تلقین یا عنایت می‌کند. (مثنوی معنوی ج ۴/ص ۲۵۶)

خلاصه سخن این است که عرفا - که جهان‌بینی‌شان بر مبنای «تجالی» است و همه هستی را مظاهر و مرایای جمال حق می‌دانند - به این حدیث استناد می‌کنند و می‌گویند: «صورت» در اینجا به معنای چهره نیست، زیرا خداوند از این معانی منزه است؛ بلکه صورت اینجا به معنی تجلیات اسماء و صفات الهی است؛ یعنی انسان تنها موجودی است که مظهر همه اسماء و صفات خداوند است. در حالی که در حدیث از امام رضا علیهم السلام می‌خوانیم:

«من شبه الله تعالى بخلقه فهو مشركه و من نسب اليه ما نهى عنه فهو كافر» (التوحيد: ۶۹ و ۷۶ و ۸۰)  
حدیث ۲۵ و ۳۱ و ۳۵؛ عیون اخبار الامام الرضا: ۱۰۵/۲؛ بحار الانوار: ۲۹۴/۳ و ۲۹۹ حدیث ۱۶ و ۲۸، همان ۱۴۰/۴ حدیث ۶ و ۳۵۶/۷۵؛ کشف الغمة: ۷۸۳؛ روضة الوعاظین: ۱۹۲/۲؛ الاحتجاج: ۳۶

در این حدیث، امام علیهم السلام به صراحةً چنین اعتقاد و اندیشه‌ای را باطل و مردود و باورمند آن را کافر می‌شمارد. در فرمایشی دیگر به سرچشمه و خاستگاه این برداشت نادرست اشاره فرموده است؛ حسین ابن خالد به امام رضا علیهم السلام می‌گوید: «ای پسر رسول خدا علیهم السلام ... [برخی از] مردم باور دارند که خداوند آنان را بر صورت خویش آفریده است و آن را به روایتی از رسول خدا مستند کرده‌اند. امام در پاسخ او فرمود: خدا آنان را بکشد؛ اینان بخشن نخست حدیث را حذف کرده [و از یاد برده]‌اند؛ [روزی] رسول خدا علیهم السلام از کنار دو مرد می‌گذشت که هم‌دیگر را دشنا می‌دادند؛ حضرتش شنید که یکی از آنها به دوستش گفت: خدا رویت را زشت گرداند و روی هر کس [دیگری] را که همانند توست. حضرت رسول خدا علیهم السلام به او گفت: ای بنده خدا به برادرت چنین مگو، زیرا خداوند بزرگ، آدم علیهم السلام را بر صورت او (= همانند او) آفریده است. در حقیقت پیامبر خدا علیهم السلام به او خاطر نشان کرد که چنین جمله‌ای توهین به حضرت آدم علیهم السلام محسوب می‌شود و مرجع ضمیر در «صورته» مردی است که مخاطب رسول الله علیهم السلام بوده و

به برادر دینی اش دشنام می‌داده، نه ذات اقدس‌الله. امام در ادامه سخن‌ش به حدیث قدسی دیگری در این زمینه اشاره می‌کند: «ما عرفی من شبّه‌نی بخلقی». (التوحید: ۶۸ حدیث ۲۲۳؛ الامالی: ۵۵ حدیث ۱۰؛ عيون اخبار الامام الرضا: ۱۰۷/۲ حدیث ۴، الاحتجاج: ۱۹۲/۲؛ بحار الانوار: ۲۹۱/۳ حدیث ۹ و ۱۰۷/۸۹ حدیث ۱؛ کشف العمّه: ۷۸/۳)

در ادامه این بحث باید افزود که علامه مجلسی در بحار الانوار - ج ۱۱: ۱۲۱ و ج ۵۴: ۱۰۳ - این حدیث را از سید بن طاووس به گونه‌ای دیگر آورده است، که در آن ضمیر «ه» به «الله» باز می‌گردد نه به آدم. در اصول کافی - ج ۱ باب ۲۱ حدیث ۴ - از امام باقر علیه السلام نقل شده است که خداوند صورت آدم را آفرید و آن را به خودش نسبت داد، چنان که «روح» و «بیت» (= خانه کعبه) را نیز به خود نسبت کرد، با آن که این نسبت‌ها هرگز تشبه میان خداوند متعال با روح و کعبه را نمی‌رساند.

## ۲. عینیت ذات و صفات حق تعالی

آیا صفات حق تعالیٰ حقیقی و عین ذات مقدس اوست یا مغایر با آن؟ این مسئله، معرکهٔ آراء متکلمان بوده است. اشاعره ادعاه می‌کند که صفات خداوند متعال قدیم و زاید بر ذات اوست و او به علمی که مغایر و زاید بر ذات اوست عالم، و مرید به اراده، وحی به حیات است؛ یعنی به چیزی زاید بر ذات خود که مقتضی ثبوت این اوصاف برای اوست. (شیعه در برابر معتزله: ۲۳۳) در برابر اینان معتزله و شیعه معتقدند که صفات مذکور عین ذات اقدس اویند؛ یعنی غیر از ذات او چیزی که به آن علم، قدرت، سمع، بصر، حیات و ... گفته شود، وجود ندارد.

حسین ابن خالد می‌گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم که فرمود: «لَمْ يَزِلَ اللَّهُ عَالَمًا قَادِرًا حَيًّا قَدِيمًا سَمِيعًا بَصِيرًا» گفتم: ای پسر رسول خدا، گروهی می‌گویند: «لَمْ يَزِلَ اللَّهُ عَالَمًا بَعْلَمْ وَ قَادِرًا بِقُدْرَةٍ وَ حَيًّا بِحَيَاةٍ وَ قَدِيمًا بِقُدْمٍ وَ سَمِيعًا بِسَمْعٍ وَ بَصِيرًا بِبَصَرٍ»

امام فرمود: هر کس چنین بگوید و به آن تسليم (= معتقد) شود، همراه خدا، خدایان دیگری گرفته است و از ولایت ما بهره‌ای ندارد. سپس فرمود: «لم يزل الله عليماً قادرًا حيًّا قدِيمًا سَمِيعًا بصيرًا لذاته، تَعَالى الله عَمَّا يَقُولون المُشْرِكُونَ وَ الْمُشَيْهُونَ عَلَوْ كَبِيرًا».

(التوحيد: ۱۴۰؛ حدیث ۳، عيون اخبار الرضا: ۱۰۹/۲؛ حدیث ۱۰، روضه الراعظین: ۳۷، بحار الانوار: ۶۲/۴) حدیث (۱)

از سخن امام علیهم السلام به دست می‌آید که اگر این صفت‌ها مغایرت واقعی با ذات اقدس الله داشته و عین ذات خدای متعال نباشد، در ازليت (= همیشگی) و قدم (= دیرینگی) شریک او خواهد بود؛ و چنین اندیشه‌ای با عقیده توحید هیچ‌گونه سازگاری ندارد. در حدیث دیگری که از آن حضرت آمده است، محمد بن عرفه از ایشان می‌پرسد: خلق الله الاشياء بالقدرة ام بغير القدرة؟

امام در پاسخ او می‌فرماید: روا نیست که خداوند اشیا را به وسیله قدرت بیافریند؛ زیرا وقتی چنین می‌گویی، انگار چیزی جز ذات خداوند – و مغایر با آن – را ابزار خلقت او می‌پندازی، و چنین باوری شرک است، زیرا خداوند متعال در آفرینش اشیاء ناتوان و ضعیف و نیازمند چیزی نیست. او ذاتاً – و به حقیقت – قادر است [و قدرت از ذات او جدا نیست] نه اینکه به کمک قدرت، اشیاء را خلق کرده باشد. (التوحيد: ۱۳۰؛ حدیث ۱۲؛ عيون اخبار الرضا: ۱۰۸/۲؛ بحار الانوار: ۱۳۶/۴) حدیث (۳)

### ۳. تفاوت اراده خالق و مخلوق

صفوان بن يحيى از امام رضا علیهم السلام پرسید: مرا از [تفاوت] اراده خداوند و مخلوق آگاه گردان.

امام علیهم السلام فرمود:

الإِرَادَةُ مِنَ الْمَخْلُوقِ الضَّمِيرِ، وَ مَا يَبْدُو لَهُ يُعْدَ ذَلِكَ مِنَ الْفَعْلِ، وَ أَمَّا مِنَ اللَّهِ فَإِرَادَتُهُ إِحْدَاهُ لَا غَيْرَ ذَلِكَ لِأَنَّهُ لَا يَرَوِي وَ لَا يَتَفَكَّرُ، وَ هَذِهِ الصَّفَاتُ مَنْفِيَةٌ عَنْهُ، وَ هِيَ مِنْ صَفَاتِ

الْخُلُقُ، فِإِرَادَةُ اللَّهِ هِيَ الْفِعْلُ لَا غَيْرَ ذَلِكَ يَقُولُ «كُنْ فَيَكُونُ» (یس: ۸۳) بِالْأَلْفَاظِ وَ لَا نُطْقٍ بِالْسَّانِ، وَ لَا هَمَّةٌ وَ لَا تَفْكِرُ وَ لَا كَيْفَ كَذَلِكَ، كَمَا أَنَّهُ بِلَا كَيْفٍ.

ارادة مخلوق، همان ذهن و ضمير او و یک نیت درونی است که منشأ بروز فعل می‌شود؛ اما اراده خداوند جز ایجاد و آفریدن او چیزی نیست؛ زیرا ذات اقدس او [پیش از خلقت اشیاء مانند مخلوقات] اندیشه و قصد و تصمیم ندارد، و این‌گونه صفت‌ها راهی به ساحت منزه او ندارند؛ زیرا اینها صفات مخلوقاتند؛ اراده خداوند همان فقط فعل [وایجاد] اوست، و نه چیزی دیگر. او می‌فرماید: کن فیکون. و [این ایجاد] به کمک لفظ و سخن زبان و قصد و اندیشه نیست؛ و کیفیت ندارد، یعنی بلاکیف است (= هیچ کیفیتی برای آن وجود ندارد و نباید به کیفیت اراده خدا بیندیشیم).

امام علیؑ در جای دیگری نیز - در مناظره سلیمان مروزی - متکلم بزرگ خراسان که مأمون عباسی نیز حضور دارد؛ و امام علیؑ او را با دلایل متقن مجاب و محکوم و مبهوت می‌کند - از لیت اراده خداوند را ابطال و حدوث آن را با برهان‌های استوار اثبات و شباهات و اشکالات وارد را رد می‌کند. این بحث مبسوط در توحید صدوق آمده است.

#### ۴. رابطه خالق و مخلوقات

پیروان عرفان‌های بشری رابطه خدا و خلق را عینیت می‌دانند و جهان را جلوه‌ای از جمال شاهد ازلی و فروغی از خورشید جمال خداوند:

و اندر آینه یک چند زرخ پرده گشود	عاشق جلوه خود بود و جهان آینه ساخت
ای بسا عبد که چون من نشناشد معبد	دانی او کیست؟ همان شاهد حسن ازلی

اصحاب فلسفه، این رابطه را ساختیت می‌دانند، زیرا در اعتقاد آنان این جهان معلولی است که از علت اولی در سلسله مراتب طولی صادر شده است.

امام رضا علیه السلام می فرماید:

«خلق الله الخلق حجاب بينه وبينهم و مبaitته ايهم مفارقته انتيهم». (التوحيد: ٣٥، حدیث ٢)

«انیت» به معنی حقیقت شیء است امام علیه السلام با بیان این حدیث مبایت ذاتی خالق و مخلوق را به روشنی بیان می کند و تأکید دارد که آن دو در ذات و حقیقت هیچ گونه ساختیت و مشابهت و اشتراکی ندارند. آن حضرت در جای دیگر می فرماید: «فکل ما فی الخلق لا يوجد فی خالقه و کل ما يمكن فیه يمتنع من صانعه». (همان: ٤٠، حدیث ٢٦)

یکی از دانشمندان معاصر می گوید:

...اگر میان خالق و مخلوق، ساختیت و اشتراک در حقیقت باشد، تعییر «کل» در روایت بی معنا خواهد بود. پس این حدیث هم به خوبی دلالت دارد که هیچ ساختیتی میان خالق و خلق در کار نیست. (توحید از نگاه وحی، فلسفه و عرفان: ٥٩)  
حضرت رضا علیه السلام بارها برای نکته مهم تأکید داشته است و در جای دیگر ضمن نقل خطبه‌ای از امیر مؤمنان علیه السلام تصريح دارد که؛

... ما سوی الله - اعم از مخلوقات نوری، موجودات عالی و سافل و ... - در صفات با او مباین هستند و خداوند متعال به موجودات متغیر و حادث که امکان تصرف در آنها هست، درک نمی شود. (همان: ٦١)

و نیز در نامه‌ای به فتح بن یزید جرجانی در پاسخ پرسش او می نویسد:  
... فالحجاب بينه و بين خلقه لامتناعه مما يمكن في ذاتهم، ولا مكان ذاتهم مما يمتنع منه ذاته ولا فراق الصانع والمصنوع والربّ والمربيّ والحادّ والمحدود... (التوحيد: ٥٦، حدیث ١٤)

سرانجام به صراحت می فرماید:

کنهه تفریق بينه و بين خلقه (همان: ٣٦، حدیث ٢)

## ۵. خداوندِ یگانه، واحد عددی نیست

یکی از مطالبی که در مکتب اهل بیت علی‌اَللّٰه سخت مردود و باطل شناخته شده، وحدت عددی آفریدگار است. حضرت علی‌اَللّٰه در پاسخ شخصی که در جنگ جمل از وحدت خواند سؤال کرد، به صراحت فرمود:

... فقول القائل: واحد – يقصد به باب الاعداد- فهذا ما لا يجوز، لأنَّ مالاثاني له لا يدخل في باب الاعداد... (التحجید [مترجم]: ۹۰ حدیث ۳).

که در نهج البلاغه - خطبه‌های ۱۸۰ و ۱۴۸ نیز آمده است:  
«واحدُ لَا بعده» و «الاحد بلا تأویل عدد».

و نیز در جای دیگر فرمود:  
«واحدُ لَا من عدد». (التحجید: ۷۰ حدیث ۲۶)

علّت این امر آن است که در وحدت عددی دومی برایش متصوّر است هرچند در خارج تحقق نداشته باشد، مانند این که بگوییم: خورشید در آسمان یکی است. مولوی با این که - مانند سایر معتقدان عرفان‌های بشری - وحدت وجودی است، اما به این نکته نیک واقف بوده و در رد وحدت عددی خداوند در مثنوی با تمثیل زیبایی بیان کرده و مردود دانسته است:

می‌توان هم، مثل او تصویر کرد  
شمس در خارج اگرچه هست فرد

نبودش در ذهن و در خارج نظیر  
شمس جان کو خارج آمد از اثير  
(مثنوی معنوی: ۱/ آیات ۱۲۱-۱۲۰)

اما منظور از وحدت خداوند سبحان بی‌مانندی و نقی هرگونه ترکیب از ذات اوست و این نکته از سخن صریح امام متقيان علی‌اَللّٰه در رساله توحید به دست می‌آید:  
... هو واحدٌ [ای] ليس له فِي الاشياء شبه ... و احدیٌ المعنى يعني به انه لا ينقسم فی وجود و لا عقل و لا وهم... (التحجید: ۸۳ حدیث ۳)

حضرت رضا<sup>علیه السلام</sup> نیز در همان نامه فتح بن یزید به صراحت می‌فرماید: احده لا بتأویل عدد (همان: ۵۳ حدیث ۱۴)؛ یعنی ذات اقدس الله یگانه است نه به معنی وحدت عددی.

## منابع

۱۳۹

- الاحتجاج (۱۴۲۲ق): طبرسی احمدبن علی؛ تحقیق: شیخ ابراهیم بهادری و شیخ محمدهادی؛ قم: انتشارات اسوه.
- أصول الكافى لمحمدبن يعقوب الكليني الرازى (۱۳۸۹ هـ): تحقيق: على أكبر الغفارى، طبعة دار الكتب الإسلامية - طهران.
- امامى الصدقوق (۱۴۰۰هـ): لأبي جعفر محمد بن على بن الحسين بن بابويه القمى المعروف بالشيخ الصدقوق (ت ۱۳۸۱هـ)، طبعة دار الفكر العربى ۱۲۵۴هـ، و طبعة مؤسسة الأعلمى - بيروت، الطبعة الخامسة.
- بحار الانوار الجامعية لدرر أخبار الأطهار (۱۴۱۲هـ): للعلامة محمد باقر بن محمد تقى المجلسى (ت ۱۱۱۰هـ ق)، تحقیق و نشر: دار إحياء التراث، الطبعة الأولى - بيروت و طبعة مؤسسة الوفاء بيروت ۱۴۰۰ هـ و الطبعه الرابعه - بيروت ۱۴۰۵هـ .
- التوحيد (۱۳۵۶ش): شیخ صدقوق؛ قم، جامعة مدرسین.
- التوحيد (۱۳۸۴ش): شیخ صدقوق - برگدان: محمدعلی سلطانی - ارمغان طوبی، تهران.
- توحید از نگاه وحی، فلسفه عرفان (۱۳۹۱ش): سید جعفر سیدان، قم، دلیل ما.
- الجامع الصغیر من حديث البشير النذير (۱۳۹۹ق): جلال الدین عبدالرحمن سیوطی قاهره.
- روضة الوعظین (۱۴۰۶هـ): لمحمدبن الحسن بن على الفتال النیشابوری، (۵۰۸هـ - ق)، طبعة بيروت ۱۴۰۲ هـ و طبع مؤسسه الأعلمى بيروت الطبعة الأولى.
- سرّنى (۱۳۶۳): عبدالحسین زرین کوب، تهران، علمی

- شیعه در برابر معتزله و اشاعره (١٣٨٨ش): هاشم معروف الحسینی - ترجمة سید محمد صادق عارف - مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- عيون أخبار الرَّضا عليه السلام: لأبي جعفر محمد بن علي بن الحسين بن بابويه القمي المعروف بالشيخ الصدوق (ت ١٣٨١هـ)، منشورات المكتبة الحيدرية، النجف الأشرف
- كشف الغمة في معرفة الأئمة، لعلي بن عيسى الإربلي (ت ٦٨٧هـ): تصحيح هاشم الرسولي المحلاتي، دار الكتاب الإسلامي، بيروت، الطبعة الأولى ١٤٠١ هـ و طبعة تبريز بدون تاريخ.
- مثنوی (١٣٦٩ش): جلال الدين بلخی - دکتور محمد استعلامی - تهران، زوار.
- المیزان فی تفسیر القرآن (١٣٩٧هـ): محمد حسین الطباطبائی، دار الكتب الإسلامية، طهران، الطبعة الثالثة.